

# ایران - روس

عهدنامه تخلیه سرحدات ترکمانچای

پنجم شعبان ۱۲۴۳ ه.ق / دهم فوریه ۱۸۲۸ م.

صورت معاهده در باب کرورات و تخلیه سرحدات

## فهرست مندرجات

- فصل اول - در باب تخلیه طالش از عساکر ایران.
- فصل دوم - در باب پرداخت کرورات.
- فصل سیم - در باب الحاق کل آذربایجان به روسیه بجهت عدم پرداخت کرورات، در باب تخلیه آذربایجان از عساکر روسیه.
- فصل چهارم - در باب تخلیه فوری آذربایجان از عساکر ایران.
- فصل پنجم - در باب فراری های دولتین معاهدتین.
- فصل ششم - مبادله تصدیق نامه ها.
- فصل هفتم - تصدیق عهدنامه.

این قرار نامه هم بنا به مفاد فصل ششم  
عهدنامه سیاسی ترکمانچای برقرار و به  
امضاء نمایندگان دو دولت رسید.

فصل اول - نظر به ماحصل فصل چهارم عهدنامه عمده امروزه اعلیحضرت  
پادشاه ممالک ایران تعهد می‌کند که از تاریخ اختتام عهدنامه مزبوره در مدت دو ماهه  
همه حصه طالش را که بالاستحقاق متعلق به دولت روسیه است و سرحد آن به صحت و  
درستی بموجب فصل چهارم عهدنامه عمده معین شده است و به علت افعال خصمانه  
صادره قبل از جنگ که این عهدنامه بسعادت به اتمام می‌رساند، به تصرف عساکر ایران  
در آمده است از قشون خود تخلیه کرده به مأمورین روس که به همین جهت به آن  
مکان‌ها فرستاده خواهد شد تسلیم نمایند، تا زمان تفویض ولایت مذکوره به وکلای  
روسیه دولت ایران متوجه خواهد شد که هیچگونه ظلمی و تعدی به اهالی آن ولایت و  
اموال ایشان معمول نباشد و حکام ولایت از هرگونه خلاف ضابطه و نظام که در این  
مدت آن جا اتفاق بیفتد از طرف دولت مؤاخذه خواهند بود.

فصل دوم - نظر به ماحصل فصل ششم عهدنامه عمده امروزه که به موجب آن  
اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران صراحتاً متعهد شده است که به اعلیحضرت امپراطور  
کلی ممالک روسیه بموجب خسارت ده کرور تومان رایج که عبارت است از بیست  
میلیون مناط سفید روسی بدهد، مابین دولتین<sup>۱</sup> معاهدتین مقرر گشته است که سه کرور  
تومان از آن در مدت هشت روز که بلافاصله بعد از اختتام این عهدنامه مذکوره انقضا  
می‌یابد به وکلای مختار روسیه یا به گماشتگان ایشان داده شود و دو کرور تومان نیز  
پانزده روز دیگر باید وصول یابد و سه کرور تومان هم در غرة آپریل سنه یک هزار و  
هشتصد و بیست و هشت مسیحیه که عبارت است از بیست و ششم شهر رمضان المبارک

سنهٔ یک هزار دویست و چهل و سه هجری ایصال گردد و دو کرور تومان باقی هم که تنهٔ ده کرور تومان است که دولت ایران به دولت روسیه متعهد ایصال گشته در غرهٔ ینوار سنهٔ یک هزار و هشتصد و سی از تاریخ مسیحیه که عبارت از بیست و دویم جدی سنهٔ یک هزار و دویست و چهل و پنج هجری است.

**فصل سیم -** به تبت آن که به اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه جهت ایصال صحیح و کامل وجه خسارت مذکوره رهنی بدهند، مابین دولتین علیتین معاهدتین قرار داده شده است که تا ایصال کل هشت کرور تومان، تمامی ولایت آذربایجان در تصرف بیواسطهٔ عساکر روسیه مانده، اداره و انتظام آن بالانحصار برای منافع روسیه باشد به نوعی که حکومت مستعماری که الحال در تبریز وضع شده است در اجرای تسلط و رفتار خود که به رعایت و حفظ ضابطه و آسایش درونی متعلق و به امضای وسایل مخصوصه جهت تدارک ضروریات عساکری که باید علی سبیل العاریه در ولایت مذکوره مقیم باشد مربوط است امتداد یابد، اگر خدا نکرده مبلغ ازبور فوق که هشت کرور تومان است تا روز پانزدهم ماه آغوست سنهٔ یک هزار و هشتصد و بیست و هشت مسیحیه که عبارت است از پانزدهم شهر صفر المظفر سنهٔ یک هزار و دویست و چهل و چهار هجری به تمامه تسلیم نشود، معلوم بوده و خواهد بود که تمام ولایت آذربایجان از ایران انفصال دائمی خواهد یافت و اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه مطلقاً استحقاق خواهد داشت که آن را یا ضمیمهٔ مملکت خود سازد یا در زیر حمایت بیواسطه و بالانفراد جانشینهای خود سر که انتقال آنها به ارث باشد در آن معین کنند.

در باب مبلغهایی که بر وفق این قرارداد بتوسط دولت روس وصول یافته باشد ایضاً معلوم است که همه بی مطالبه و استرداد برای نفع او می ماند، اما در این صورت دولت ایران نزد دولت روس بالمره از تعهدات نقدیه بری الذمه خواهد بود و مقرر است که همین که اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران دو کرور از این سه کروری که بعد از پنج کرور تومان وجه خسارت مشروطه می بایست داده شود تسلیم کرده شود، همهٔ آذربایجان انتهای مرتبه در مدت یک ماه از عساکر روسیه تخلیه خواهد شد و به اختیار ایرانیان واگذار خواهد گردید، اما قلعهٔ ولایت خوی مانند رهن ایصال کرور سیم از کرورات مذکوره که باید بالتمام در پانزدهم ماه آغوست سنهٔ یک هزار و هشتصد و

بیست و هشت مسیحیّه برسد در اقتدار عساکر روسیه خواهد ماند و جنرالی که لشکر روسیه در اختیار او خواهد بود در باب تخلیه و رد همه یا جزو آذربایجان موافق آنکه اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به دولت امپراطور روسیه در موعد معهود همه هشت کرور یا همین هفت کرور تومان را داده باشد، پیش از وقت دستورالعمل لازمه در دست خواهد داشت و حکومت مستعار تبریز در آن وقت اختیاری را که دارد از خود سلب کرده، وکلای ایران که برای این کار از طرف اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مأمور خواهند بود فوراً به تصرف آن خواهند پرداخت، لیکن بدون اینکه ضابطه و آسایش خلق مشوش تواند شد و در شرایط و تعهداتی که در عهدنامه عمده مصالحه الحال و در این فصول زایده مقررگشته است تغییری حاصل تواند کرد.

**فصل چهارم - عساکر روسیه که بنا بر فصل سابق چند وقت آذربایجان را در تصرف خواهند داشت، چون اختیار تام و تمام برای آنها لازم است که موافق صوابدید فرمانفرمای عساکر روسیه در هر جای این مملکت اقامت نمایند، لهذا قرار داد شد که عساکر ایران که هنوز در بعضی اماکن آذربایجان منتشرند بلافاصله بیرون روند و خود را به ولایات داخله ایران بکشند.**

**فصل پنجم - برای دفع اموری که موجب اختلال ضابطه و نظام عسکریه می شود، حفظ آن مابین عساکر جانبین در مدت تصرف چند وقت ولایات که در فصل سابق قرارداد شد و بغایت لازم است مقرر شد که در این مدت اقامت همه فراری لشکر روس که به جانب ایرانیان بگذرد باید که بواسطه رؤسای ایران گرفته شده فی الفور به نزدیکترین رؤسای عساکر روس تسلیم شود و همچنین همه فراری لشکر ایران که به جانب روسیه بگریزد<sup>۱</sup> بلافاصله گرفته شده به نزدیکترین حاکم ایران تسلیم شود.**

**فصل ششم - همان ساعت بعد از مبادله تصدیق نامه‌ها از جانبین به مباشرها برای تشخیص خط سرحدی که بواسطه فصل چهارم عهدنامه عمده امروزه شرط شده نامزد خواهد شد و کذالک برای ترتیب نقشه صحیح از آن که یک نسخه به مهر مباشرین**

۱. الف: بگریزد.



رسیده به تصحیح فرمانفرمای گرجستان و نسخه دیگر در کمال مشابهت به تصحیح نواب مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا عرض خواهد شد و بعد از آن نقشه مبادله شده مستوث و در مستقبل دست آویز و سند خواهد بود.

فصل هفتم - این فصول جداگانه که برای تکمیل عهدنامه عمده امروزه تشخیص یافته و مشتمل بر دو نسخه است همان قدر قدرت و اعتبار خواهد داشت که گویا لفظاً بلفظ در آنجا مندرج است.

در هر حال ما وکلای مختار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران آنها را دستخط گذاشته مهر کردیم.

تحریراً در قریه توکمانچای به تاریخ دهم شهر فیورال سنه یک هزار و هشتصد و بیست و هشت مسیحیه که عبارت است از پنجم شهر شعبان المعظم سنه یک هزار و دویست و چهل و سه هجری بملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسید و به امضای وزیر دول خارجه عالی جاه میرزا ابوالحسن خان رسید.

این نسخه ایست که مقرب الخاقان محمودخان مصلحت‌گزار به کار پردازی داده‌اند.

گردآورنده:  
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/treaties/>